

امتحان و آزمون و آزمون از دیدگاه قرآن

■ زهرا امیری ■ کارشناس امور تربیتی

■ چکیده:

«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (۱) پس هرگز در سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز در سنت خدا تغییر نمی یابی.

قانون‌های ثابتی در جهان وجود دارد که در تمام هستی برقرار است و هیچگونه تغییر و تبدیلی در آنها بوجود نمی آید، آن قانون‌ها را سنت‌های الهی گویند که یکی از این سنت‌ها، سنت امتحان الهی است. «آزمون، آزمایش کردن، کسی یا چیزی را تحت آزمایش قرار دادن و یا به کار برد رویه و پیاده کردن کاری در مورد او، درون وی را کشف کردن، تجربه، امتحان، اختبار، آزمون: گاه به منظور کشف حقیقت بر آزمایشگر بوده و گاه این کار به هدف آزمون شده به حقیقت خویش صورت می‌پذیرد، آزمون‌های خداوند از بندگانش از قسم دوم است.

شایان ذکر است که اکثر آیات قرآن در این باره آمده است مراد از آنها معنی حقیقی آزمون نیست، بلکه مراد آزمون گونه‌ای عمل کردن است، یعنی کاری را چون آزمایش صورت دادن، چنانچه مکر خدا نیز بدین وجه باشد. (۲)

صُبْتَلِي (آزماینده)

این اسم وصف الهی، اسم فاعل از ابتلاء باب افتعال است که مصدر مجرد و ریشه آن (بلی یبلو بلوا)، از باب نصر ینصر یعنی آزمودن و آزمایش کردن و دریافتن و کشف نمودن است. بلو یعنی آزموده و جمع آن ابلا است و ابتلاء اسم است بر وزن سلام و بلوی و بلیه. همانند آن است و جمع است.

یکی شناختن و شناخته شدن، حالت شخصی و واقف گشتن بر آنچه که بر او مجهول بوده است. و دیگر ظهور و آشکار شدن جودت و خوبی و یا برعکس رذالت و پستی شخصی از برای خود او چه بسا گاهی اوقات منظور از ابتلاء و آشکار شدن هر دو موضوع است. و گاهی هم آشکار شدن یکی از آن دو موضوع است.

وقتی خداوند کسی را در مقام ابتلاء قرار بدهد و مقصود از آن موضوع دوم است نه اول زیرا خداوند خود علام الغیوب است. و از حالات اشخاص با خبر است و وی را نشاید که از ابتلاء مجهولی بر او کشف گردد (۳).

لِيَبْلُوَكُمْ :

از ماده ابتلاء به معنی آزمایش است. منظور از آزمایش خداوند نوعی پرورش است به این معنی که انسانها را به میدان عمل می‌کشد تا ورزید و آزموده و پاک و لایق قرب خدا شوند. بنابراین آزمایش‌های الهی، برای کشف حال و پی بردن به وضع درونی و روحی و فکر نیست، بلکه به معنی پرورش و تربیت کردن است (۴).

مِثْلِي :

از بلوی به معنی آزمایش و امتحان است و آن جا که به هنگام آزمایش حقیقت اشیاء ظاهر و آشکار می‌شود این ماده در این به معنی ظهور و بروز آمده است. (۵)

شُرْحُ وَائِثَةِ اَزْمَائِشِ :

اسم مصدر آزمودن، به عربی: بلاء امتحان، فتنه، اختبار، ابتلاء این واژه به هر دو لغت در اصل به معنی آشکار ساختن حقیقت چیزی و خالص نمودن گوهری از آمیزه‌های پنهانی آن است. اگر این کار توسط شخص ناآگاه صورت گیرد هدف دستیابی به حقیقت آن شیء باشد و اگر آزمایش کننده خود به حقیقت آن چیز بود غرض آن باشد که دیگری بدان آگاه گردد.

مانند: زرگری که می‌خواهد زر ناخالص را از کسی که مدعی خلوص آن است بخرد. آن را در بوته آزمایش می‌نهد و فروشنده را به مغشوش بودن آن آگاه می‌سازد.

و اما اگر آزمایش کننده خود آگاه و آزمایش شده. موجود فاعل مختار باشد. مانند: آزمایش که خداوند در مورد انسان اعمال می‌دارد، هدف این کار آشکار شدن ماهیت آزمایش شده است. برای خود او باشد که از یک زنگ خطر به در آید و با انگیزه‌های برخاسته از بعد منفی پنهانی وی که اکنون آشکار گشته مبارزه گشتن و ورزیده شدن اراده و در نتیجه به دست گرفتن زمام اختیار نفس، می‌بایست انجام می‌داد و یا با آزمونهای پی در پی خویشتن را فولاد آبدیده می‌ساخت و به جای او خداوند با هشدار قبلی این لطف را درباره او مبذول می‌دارد. این معنی را می‌توان از این آیه مبارکه به وضوح استفاده نمود.

(اعراف ۱۶۸/۷) وَ يَلْوَنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۶)

فَتْنِ (فتنه)

در لغت به معنی امتحان، آزمایش، ابتلاء است. و اصل آن از (فتنت الفضة و الذهب بالنار) نقره و طلا را برای جدا کردن و خالص از ناخالص، با آتش ذوب کردن، گرفته شده است. لذا (فتنه) او را خالص گردانید.

آن را در آتش گذاخت و ذوب کرد (۷)

سُنَّتِ اِبْتِلاَءِ وَ اِمْتِحَانِ :

مراد از سنت الله در برخی از آیات به کار رفته این است که خداوند واضح و مجری سنت‌های حاکم بر حیات انسان هاست.

سنت‌های الهی غیر قابل تبدیل و تحویل هستند. منظور از غیر قابل تبدیل بودن سنت‌های الهی این است که اگر افراد جامعه‌ای بر اثر اعمال و رفتار خود در مسیر یکی از سنت‌های الهی قرار بگیرند و

سرنوشت خاصی در مورد آنها قطعیت پیدا کند امکان ندارد که سرنوشت دیگری حاکم بر حیات آنها شود.

«سَنَّهُ اللهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّهَ اللهِ تَبْدِيلًا» (۸)

سنت الهی قانون نظام ربانی براین بوده که حق بر باطل غالب شود و ابد در سنت خدا تغییر نخواهی یافت. سنت ابتلا یکی از سنت های الهی که در قرآن کریم بر روی آن تاکید بسیار شده است. سنت امتحان و آزمایش است قرآن کریم، از این سنت گاه تعبیر به ابتلا و گاه تعبیر به فتنه و در موردی به عنوان امتحان از آن یاد کرده است.

* سنت امتحان سنت عمومی است. (۹)

آزمایش الهی یک سنت جاوید است

أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۱۰)

آیا مردم گمان کردند، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد.

ما کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم. (و اینها را نیز امتحان می کنیم) باید علم خدا در مورد کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد.

امتحان یک سنت همیشگی و جاودانی الهی است. امتحان مخصوص شما جمعیت مسلمان نیست، سنتی است که در تمام امت های پیشین جاری بوده است. قرآن می فرماید: ما کسانی را که قبل از آنها بودند آزمایش کردیم. آنها را نیز در کوره های سخت امتحان افکندیم، آنها نیز همچون شما در فشار دشمنان بیرحم و جاهل و بی خبر و متعصب و لجوج قرار داشتند، همیشه میدان امتحان باز بوده و گروهی در این میدان شرکت داشته اند. باید هم چنین باشد، چرا که در مقام ادعا، هر کس می تواند خود را برترین مومن، بالاترین مجاهد و فداکارترین انسان معرفی کند، باید وزن و قیمت و ارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن شود.

باید معلوم گردد تا چه اندازه نیت درونی و آمادگی روحی با این گفته ها هماهنگ یا ناهماهنگ است؟ آری باید خداوند بداند چه کسانی راست می گویند، و چه کسانی دروغگو هستند.

بدیهی است خدا همه اینها را می داند، حتی قبل از خلقت انسانها، منظور از علم در اینجا همان تحقق عینی مسائل و وجود خارجی آنها است و به تعبیر دیگر ظهور آثار و شواهد عملی است، یعنی باید علم خدا درباره این گروه عملاً در خارج پیاده شود، و تحقق عینی یابد؛ و هر کسی آنچه را در درون دارد، بیرون ریزد، این است، معنی علم هنگامی که در اینگونه موارد در مورد خداوند به کار می رود.

دلیل این مساله نیز روشن است، زیرا نیت درونی و صفات باطنی تا در عمل انسان تحقق و عینیت پیدا نکند، ثواب و جزا و کیفر مفهوم ندارد.

آزمایش برای تحقق بخشیدن به نیت و صفات درونی است، و به عبارت دیگر این عالم همچون یک دانشگاه یا یک مزرعه است، برنامه این است که در دانشگاه استعدادها، شکوفا گردد.

لیاقت ها پرورش یابد و آنچه در مرحله قوه است، به فعلیت برسد. (۱۱)

* فلسفه شداید و بلایا

فلسفه شداید و بلایا یا فقط سنجش وزن و درجه و کمیت نیست، زیاد کردن وزن و بالا بردن درجه و افزایش دادن به کمیت است. خداوند امتحان نمیکند که وزن واقعی و حد و درجه معنوی و اندازه شخصیت کسی معلوم شود، امتحان میکند یعنی در معرض بلایا و شداید قرار می دهد که بر وزن واقعی و درجه معنوی و حد شخصیت آن بنده افزوده شود. امتحان نمی کند که بهشتی واقعی و جهنمی واقعی معلوم شود امتحان میکند و مشکلات و شداید به وجود می آورد که آنکه می خواهد به بهشت برود در خلال همین شداید خود را شایسته و لایق بهشت کند و آنکه لایق نیست سر جای خود بماند علی (ع) در آن نامه ای که به والی بصره عثمان بن حنیف نوشته پس از آنکه او را نصیحت می کند که گرد تنعم نرود و از وظیفه خودش غفلت نکند، وضع زندگی ساده و دور از تجمل و تنعم خودش را ذکر میکند که چگونه به نان جوی قناعت کرده است و خود را از هر نوع ناز پروردگی دور داشته آن گاه می فرماید: شاید بعضی تعجب کنند که چطور علی (ع) با این خوراکها توانایی برابری و غلبه بر شجاعان را دارد قاعدتا باید این طرز زندگی او را ضعیف و ناتوان کرده باشد خودش جواب می دهد که اینها اشتباه میکنند زندگی سخت نیرو را نمی کاهد تنعم ناز پروردگی است که موجب کاهش نیرو می گردد.

چوب درختهای صحرايي و جنگلی که نوازش باغبان را ندیده است محکم تر است، اما درختهای سرسبز و شاداب که مرتب تحت رعایت باغبان و نوازش او می باشند نازک تر و کم طاقت تر از کار در می آید.

مردان سرد و گرم چشیده و فراز و نشیب دیده و زحمت کشیده با سختی و شداید و مشکلات دست و پنجه نرم کرده نیز طاقت و قدرتشان از مردهای نازپرورده بیشتر است.

فرق است بین نیرویی که از داخل و باطن می جوشد با نیروی که از خارج کمک می گیرد عمده این است که استعدادهای باطنی بشر بروز کند. (۱۲)

* آزمایش های الهی

انسان در ظرف خلقت و حیاتش، از نیروها و استعدادها و قوای مرموزی برخوردار است، که وجود این نیروها او را معلول محبت خدا به انسان و ثنیا برای رشد و تکامل انسان است.

این نیروها در وجود انسان همانند دانه ها و حبه ها نباتی است که در ظرفی قرار داده جایی گذاشته اند، اگر باغبان به سراغ این حبه ها و دانه ها برود و آنها را در زمین مستعد بکارد. آن حبه ها و دانه ها با تمام قدرت شروع به فعالیت کرده و با عوامل مخالف به مبارزه برخاسته و در این راه از هیچ کوشش و مقاومت و مجاهدت کوتاهی نمی کنند تا به ثمر بنشینند و تمام منافع خود را آشکار کرده و رشد و کمال خداوند را نشان دهند.

اما اگر این دانه ها در سرزمین مستعد قرار نگیرد و این حبه ها کاشته نشود، پس از مدتی می پوسد و جز آن که آنها را به عنوان دانه ها و حبه های فاسد کنار بریزند چاره ای نیست.

نیروها و استعدادهای عالی انسان حتما و بدون شک در برخوردهای انسان به حوادث و آرام و مصائب و شدت ها و مجاهدت ها و کوشش ها و زحمت ها و نعمت و نعمت ها شکوفا می گردد و پس از این شکوفائی به نتایج بسیار مثبت دنیایی و آخرتی میرسد.

و چون راهی برای شکوفائی قوای روحی و عقلی و دفاعی و نفسی بشر جز با حوادث و رنج ها و به قول قرآن ابتلا نیست خداوند مهربان در قرآن مجید ابتلا و امتحان را جهت انسان ضروری و حیاتی اعلام فرموده و احدی را از این فضای پر قیمت و پرسود استثناء ننموده است به این نکته باید توجه کنید که امتحان حضرت حق مانند امتحان مدارس در دنیا نسبت که برای معلم شاگردان درس خوان از تنبل معلوم شوند خدای جهان بی امتحان به وضع ظاهر و باطن تمام هستی آگاه است. این امتحان فقط به خاطر خود انسان و جهت رشد و کمال و شکوفایی استعدادهای اوست. (۱۳)

✽ سخن آخر

رمز پیروزی در امتحان

حال که همه انسانها در یک امتحان گسترده الهی شرکت دارند راه موفقیت در این آزمایش ها چیست ؟ در پاسخ باید بگوییم:

نخستین و مهمترین گام برای پیروزی ، همان است که در جمله کوتاه و پر معنی و بشرالصابرین است که قرآن با صراحت می فرماید : رمز پیروزی در این راه صبر و پایداری است و به همین دلیل بشارت و پیروزی را تنها صابران و افراد با استقامت می دهد.

دیگر این که توجه به گذرا بودن حوادث این جهان و سختی ها و مشکلاتی و این که این جاده گذرگاهی بیش نیست عامل دیگری برای پیروزی محسوب می شود که در جمله انا الله و انا الله راجعون ما از آن خدا به سوی او باز می گردیم ، آمده است.

۱. فاطر ۳۵/۴۳

۲. معارف و معاریف ، مصطفی حسینی دشتی ج ۳ ص ۸۷

۳. اسماء و صفات الهی ، محمد باقر محقق ، ج ۲ ، صص ۱۲۶ و ۱۲۷

۴. شرح و تفسیر قرآن ، جعفر شریعتمداری ، ص ۲۴۴

۵. همان

۶. معارف و معاریف ، مصطفی حسینی دشتی ، ج ۲ ، ص ۸۵

۷. دانشنامه قرآن ، بهاءالدین خرمشاهی ، ج ۲ ، ص ۱۵۴۴

۸. فتح ۴۸/۲۳

۹. مبانی انسان شناسی در قرآن ، عبدالله نصوی ، ص ۴۲۷

۱۰. عنکبوت ۲۹/۳ و ۲

۱۱. تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان ، ج ۱۸ ، ص ۲۰۳

۱۲. بیست گفتار ، مرتضی مطهری ، صص ۲۰۸ و ۲۰۹

۱۳. عرفان اسلامی ، حسینی انصاریان ، ج ۶ ، ص ۱۵۷